

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور تأمین صلح جهان، پیشنهاد می‌نمایم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثنا ملی اعلام شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد». شاید وقتی مجلس این پیشنهاد را تصویب کرد نمی‌دانست با چه مقاومتهایی روبرو می‌شود.

چراغ علاءالدین
از کجا وارد زندگی
مردم شد؟

تحریم والور در برابر تحریم نفت

مترقی مرتضوی کاخکی

«با این سطح از صنعت، در بهترین بنگاه‌های تولیدی، شاید فقط بتوان قوطی واکس تولید کرد!» و این چیزی نبود که مصدق به دنبالش می‌گشت.

وقتی علاءالدین رقیب والور می‌شود

عالی‌نسب نمی‌خواست نخست‌وزیر نامید شود، پس خودش وارد میدان شد. تصمیم گرفت که سموری نفت‌سوز بسازد. اما شرکت خود را «صنایع نفت‌سوز

و گازسوز عالی‌نسب» نامید؛ می‌گفت: «در زمینه چشم‌انداز تحولات اقتصاد ایران و جهان به این نتیجه‌رسیده‌ام که در سال‌های میانی قرن بیستم،

نفت در مرکز تحولات اقتصادی قرار دارد اما در سال‌های پایانی، گاز نسبت به نفت مرجح است. پس در نام‌گذاری شرکت از هر دوی آن‌ها استفاده کردم تا مسیر فعالیت‌های شرکت را مشخص کرده باشم». در نتیجه‌ی تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های اقتصادی‌اش در دوران جنگ جهانی دوم مشهور شده بود.

به واسطه‌ی تحریم‌ها، ارز کمی در اختیار کشور بود و مواد اولیه و فناوری مورد نیاز هم در کشور وجود نداشت. اما کارخانه شروع به فعالیت کرد. او توانست از ورق‌های فلزی و ضایعات ماشین‌ها، ورق‌های مورد نیاز را تأمین کند و سمآوری بسازد که اشک‌های مصدق را جاری کند. به

جلو آمدند، ولی تهدیدات خواهران نفتی موثرتر از تهدید ایران بود. خزانه‌ی خالی، بدهی‌های روزافزون و عدم کمک‌های بین‌المللی به دولت فشار می‌آورد، تا این که مصدق به مشاوران اقتصادی‌اش مأموریت جدیدی واگذار کرد؛ ایجاد بازاری برای نفت در داخل کشور.

برای تحقق خواسته‌های نخست‌وزیر، مشاوران مسئول پیدا کردن صنعتگرانی شدند که محصولات نفت‌سوز تولید می‌کنند. مصرف‌چای ایرانیان زیاد بود، بخاری نفتی هم در برخی از ایام سال متقاضیان زیادی داشت. بنابراین تولید سمور و اجاق خوراک‌پزی نفتی بهترین گزینه‌ها محسوب می‌شدند.

شورای مشاوران در هر کوی و برزنی مطالعه و تحقیق کرد. اعضای شورای مشاوران از گروه‌های مختلف و با پیشینه‌های مختلف بودند ولی در این میان میرمصطفی عالی‌نسب، تاجر تبریزی، گویی برای مسئولیتی بزرگ انتخاب شده بود. عالی‌نسب در مطالعاتش به این نتیجه رسیده بود که در شأن یک مسلمان نیست که فقط واردکننده باشد و برای همین کارت بازرگانی خود را تمدید نکرده بود. به‌خاطر نهضت ملی، همه‌ی امور روزمره‌ی خود را تعطیل کرد و در مدت سه ماه به تمام ایران سرکشید. نتیجه‌ی تحقیقات ناامیدکننده بود؛

در پی ملی شدن صنعت نفت ایران، حسین علا از نخست‌وزیری استعفا داد و مصدق به ن‌خست‌وزیری رسید تا ملی شدن صنعت نفت به سرانجام برسد. دولت انگلستان نیز از آن سو به دادگاه لاهه و شورای امنیت شکایت کرد. نخست‌وزیر ایران نیز در هر دو موضع به دفاع از دستاورد ایرانیان پرداخت و با رد صلاحیت از دادگاه لاهه و اقامه‌ی دعوا در شورای امنیت، تهدیدات قضایی انگلستان را بی‌ثمر کرد. اما بازی پیچیده‌ی انگلیسی‌ها به این جا ختم نشد. گذشته از تهدید نظامی و قشون‌کشی، سخت‌ترین مرحله، رویارویی اقتصادی ایران با هفت خواهر نفتی بود. رقبای نفتی باهم قراردادی داشتند که انحصار تولید، فروش و حتی انتقال نفت را در اختیار بگیرند. و وقتی شرایط یکی از خواهرها یعنی انگلیس نابسامان شد، از اسلحه‌ی تحریم برای تأدیب ایرانیان استفاده کردند.

بازار خارجی نشد، بازار داخلی

کارشناسان استخراج از ایران خارج شدند و سایر کشورها و شرکت‌ها نیز از تأمین افراد متخصص خودداری کردند. حقوق پرسنل شرکت نفت بر عهده‌ی دولتی بود که در اثر تحریم، نفت کمتری استخراج می‌کرد و توانایی فروش همان را هم نداشت. در آبادان 12 میلیون بشکه نفت مشتری نداشت، راهکار کاهش قیمت و پیشنهاد فروش نفت به نصف یا ربع قیمت‌های جهانی هم بی‌فایده بود. ایران گفت خریداران جدیدی جایگزین خواهد کرد. ایتالیا و برخی از کشورهای بلوک شرق



عالی‌نسب که بود؟

هیأت وزیران در مورخ 79/10/21 بنا به پیشنهاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تصویب کرد تا «نشان دولتی درجه یکم کار و تولید» به آقای میرمصطفی عالی‌نسب اعطا شود. تولیدکننده‌ای که علاوه بر پنج‌شش دهه سابقه تولید، با مکاتب مختلف اقتصادی هم آشنا بود. یک‌پا تئوری‌پرداز بومی اقتصادی به حساب می‌آمد؛ پیش از انقلاب مشاور اقتصادی برخی از مراجع تقلید بود و پیشنهاد دهنده انتشار «وراق قرضه ملی» به مصدق. تلاش صادقانه و دغدغه‌های اقتصادی‌اش مورد توجه و احترام همه بود. از آیت الله موسوی اردبیلی که او را «متخصص برجسته و صنعتگر باتقوای کشور» و «ذخیره‌ای ارزشمند در حوزه دین و اقتصاد» می‌دانست تا اسدالله عسگرآولادی که او را «مرد عمل» و انسانی «خود ساخته» می‌خواند و علاءالدین میر محمد صادقی که عالی‌نسب را پیشقدم بی‌ریای امور خیریه توصیف می‌کرد و محمد شریعت‌مداری که می‌گفت «از نشخوار اطلاعات علمی سازمان‌های بین‌المللی بیزار بود و ما را به بومی سازی اطلاعات و واقعیت‌های اقتصادی ایران سوق می‌داد».

از استاد مطهری نقل شده است: ترجیح می‌دهم در جلساتی که آقای عالی‌نسب حضور دارند سکوت کنم، چون یقین دارم مطالب زیادی از ایشان خواهم آموخت. رجایی افسوس می‌خورد که «اگر انقلاب در دوره‌ای به پیروزی می‌رسید که آقای عالی‌نسب توانایی جسمی بیشتری داشتند، بسیاری از مشکلات اقتصادی با کمک و راهنمایی مؤثر ایشان به راحتی قابل حل بود». و از حاج احمدآقا، نقل کرده‌اند که گاهی پس از عرضه تصمیمات شورای اقتصاد به امام، ایشان می‌گفت: نظر عالی‌نسب هم همین است یا نه؟ اگر پاسخ مثبت بود، می‌فرمودند پس اشکالی ندارد. و سرانجام «آن مرحوم، انسانی دانا، مدیری مبتکر، مؤمنی روشن بین، مردی نیکوکار و دلسوز و پرتلاش بود. حضور فعال ایشان در مباحثات دشوار اقتصادی دولت در دوران جنگ تحمیلی، یادگاری فراموش نشدنی و صبر ایشان در برابر مصائب سنگین، نمونه‌ای فرا گرفتنی است. سید علی خامنه‌ای، 10 تیر 1384»

منبع: یادنامه عالی‌نسب، مؤسسه دین و اقتصاد